

گزارش
اجلاس بین‌المللی استادان زبان و
ادب فارسی - هند
دانشگاه گجرات - احمدآباد

اثر: دکتر قاسم صافی
از: دانشگاه تهران

چکیده

متن حاضر حاوی آگاهی‌های سودمندی از موقعیت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی هند و ایالت گجرات و شهر احمدآباد، میزبان اجلاس سراسری استادان زبان و ادب فارسی است. خواننده محترم درباره دانشگاه گجرات محل اجلاس استادان فارسی همچنین اطلاعات مفیدی به دست می‌آورد و از مسائل و موضوعاتی که در اجلاس مطرح شده همراه با پیشنهادهای عالمانه‌ای که نویسنده درباره آموزش و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه قاره عرضه داشته آگاه می‌گردد.



مقدمه

جمهوری متحد هند

هند، کشوری است در جنوب قاره آسیا و جنوب سلسله کوه‌های هیمالیا در کنار اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج بنگال. نام کهن این سرزمین بهاراته است. وسعت آن ۳/۲۸۷/۵۹۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن قریب به نهصد میلیون نفر است. از شمال به چین و نپال و از شمال شرقی به یونان، برمه و بنگلادش و از شمال غربی به پاکستان محدود است.

تمدن این کشور از دو تا چهار هزار سال قبل از میلاد شروع می‌شود. قبایل آریایی از شمال هند در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد وارد آن سرزمین شده‌اند و تمدن برهمنی را آغاز کرده‌اند و در نتیجه اصول مذهب «هندوی» به وجود آمده است و این دین، مذهب رسمی پادشاهان «موری» شد. در قرن ششم قبل از میلاد «بودا» ظهور کرد و آسوکا در قرن سوم قبل از میلاد، دین بودا را دین رسمی اعلام کرد.

وجود ملوک‌الطوایفی در هند که از زمان تسلط راجپوتی‌ها بر مناطق شمال غربی هند پدید آمده بود زمینه را برای فتوحات اسلامی در قرن ۱۱ به وسیله سلطان محمود غزنوی فراهم کرد. در سال ۱۵۲۶ «بابر» پادشاه مغول برهند تسلط یافت و این کشور سیر تمدن عظیم و ارزشمندی از فرهنگ اسلام را در دوران مغول به خصوص در روزگار اکبر شاه و شاهجهان و اورنگ زیب آغاز کرد. متأسفانه این دوران طلایی با سرانجام ناخوشایندی روبرو شد. در همین روزگار بود که پرتغالی‌ها بر جاوه دست یافتند (۱۵۱۰) و بعدها انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در قرن ۱۸ با استفاده از فرصت قیام طوایف «مراتی» و «سیک» علیه پادشاهان مغول مناطقی برای خود از هند جدا کردند و به تدریج فرمانروای انگلیسی، بنیاد حکومت بریتانیا را در هند استوار گردانید و به اضمحلال و زوال زبان و فرهنگ این کشور کوشید و روز به روز آثار اسلامی و فرهنگ تمدن ایرانی و زبان استوار فارسی کم‌سوتر شد.

هند به تدریج از خواب غفلت بیدار شد، برخی از رهبران آن در سال ۱۸۸۴ با تشکیل دستجات و سازمان‌های ملی که هدف اصلی رسیدن به استقلال بود به دفاع از حیثیت خود پرداختند و این زمان بود که گاندی رهبر بزرگ قیام کرد و با شیوه مخصوص و معروف خود «نهیضت نافرمانی» علیه استبداد بریتانیا به مبارزه پرداخت تا سرانجام در ماه اوت ۱۹۴۷ میلادی آخرین سرباز انگلیسی، خاک هند را ترک گفت و این کشور در تاریخ ژانویه ۱۹۵۰ استقلال خود را باز یافت و حکومت جمهوری مستقل خود را اعلام کرد.

هند به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پهناورترین سرزمین‌های دنیا و شگفت‌انگیزترین و متنوع‌ترین فرهنگ‌های جهانی قابل مطالعه و دقت نظر برای جهانیان است. جاذبه توریستی این سرزمین، علاقه‌مندان و پژوهشگران را از اقصی نقاط جهان برای مشاهده این فرهنگ و ملاحظه قدمت تاریخی و آثار بازمانده از آن، فرا می‌خواند و به خصوص وضعیت زندگی عمومی مردم چهره دیگری را در نگاه اروپاییان به دنیا می‌گشاید و قوانین مخصوص متعلق فرهنگ ایالات و زندگی بسیار ساده و آرام و آزاد هندیان از دنیای پراضطراب جهان با خونسردی و سخت‌کوشی و فناخت پیشگی مردم مخصوص این نوع بلاد. جلوه‌های دیگری از زندگی انسان معاصر را ترسیم می‌کند.

فرهنگ پر تنوع و همزیستی چند مذهبی در این کشور، داستان‌های ملی بسیار زیادی را در دل تاریخ آن ثبت کرده است و قصرها و قلعه‌ها و معابد و پرستشگاه‌های بسیار بزرگ و سنگ‌کاری شده از ستون‌های مرمر سفید و مجسمه‌های مزین به تصویرهای مهیج نشأت گرفته از فرهنگ‌های دینی و نقاشی‌های مذهبی با به کارگیری هنرهای شگفت‌انگیز از ادیان هندو، بوداییسم و جین، خاطره‌هایی از گذشته‌های دور و افسانه‌های متعلق به سرگذشت بشریت را به تصویر می‌کشد.

فرهنگ ملی هندوستان، متأثر از موقعیت جغرافیایی و وجود ادیان هندوئیسم، جاینیسم، سیکیسم، جوداییسم، بودیسم، زور و اشتریانیسم، مسیحیت و اسلام است. وجود کتیبه‌های متعدد و متنوع به زبان فارسی، و وجود

اقلام و لوازم موزه‌ها و برافراشتگی بناها، زیارتگاه‌ها، مساجد و مراقد علما و عرفا و قلعه‌ها یا دژهای بابریان و آثار عظیم و بسیار فراوان منثور و منظوم به زبان فارسی و وجود کرسی‌های این زبان در دانشگاه‌ها، یادگاری دیگر از دوران طلایی فرهنگ اسلامی و گستره زبان و ادب فارسی در این سرزمین است.

گجرات

سرزمین هند براساس آخرین تقسیمات کشوری از ۲۲ ایالت و ۹ سرزمین تشکیل گردیده که هر کدام دارای فرماندار و قدرت اجرایی منتخب (فدرال) است. گجرات یکی از آن ایالات است و مرکز آن شهر احمدآباد محل برگزاری اجلاس بین‌المللی استادان زبان و ادب فارسی است.

نام اصلی گجرات، نهرواله است و در پشت صحرایی عظیم و تپه‌های متصل رشته جبال و ینضیا و کوه‌های آراوالی واقع شده و به همین علت مدت‌ها از دستبرد محفوظ مانده و دست یافتن به آن جز از طریق دریا ممکن نبوده. در آخر قرن هشتم هجری در عهد علاءالدین سلطان دهلی از ولایات اسلامی گردیده و در پایان قرن نهم استقلال خود را به دست آورده است و فرمانروایان مسلم به جای هندو، به حکومت آن نامزد گردیدند. ظفرخان پسر یکی از افراد طایفه جپوت که اسلام آورده بود در سال ۷۹۴ به حکومت این ایالت رسید. احمد شاه جانشین او شهر احمدآباد را ساخت که بعدها پایتخت سلسله او و مرکز ولایات احمدآباد در عهد مغول گردید.

ایالت گجرات بین مُمبئی و راجستان واقع است و سابقه تاریخی بلند مدت و یادگارهایی از وقایع گوناگون و تعدادی مناطق زیبا برای دیدن دارد. در مسیر ساحل جنوبی آن مناطقی وجود دارد که بسیاری از وقایع مهم و بزرگ مربوط به زندگی بُرد کریشنایا در آنجا اتفاق افتاد. هجوم قوم امپراطور بزرگ بودا و آشوکا که آثار خرابه‌های آن در نزدیک جوناگاد مشهود است، و لشکرکشی سلطان محمود

غزنوی، حکومت مغول‌ها و سپس انگلیسی‌ها، وقایع دیگری است که در این سرزمین اتفاق افتاده است. گجرات محل قسمت اعظم و قابل توجه و شگفت‌انگیزی از مهاجرت هندیان به بریتانیای کبیر و به ایالات متحده است. بیش از نیمی از صد هزار هندی در ایالات متحده، گجراتیند و جمعیت گجراتی در آنجا به نام مستعار، پاتل خوانده می‌شود.

این ایالت، مرکزی نیز برای جین‌ها بوده و بعضی از جالب‌ترین و مورد توجه‌ترین مناظر در مراکز و معابد آن وجود دارد. جین‌ها یک گروه متنفذ و پرانرژی و باقوتند. طرفداران سرسخت علم‌گیاہ‌خواری جین در محل‌های تهیهٔ اغذیه در این ایالت پراکنده‌اند. گذشته از معابر آنان در این منطقه، وجود باقیمانده‌های نسل شیرهای قدیمی آسیایی در جنگل جُیر، و نیز طرز معماری رویایی و افسانه‌ای ساراسنیک در احمدآباد، جاذبیت مهم دیگر این ایالت است.

گجرات دارای سابقهٔ تاریخی از وقایعی است که مردم آن هر سال، خاطرهٔ آن را با برپایی مراسم مختلف زنده نگه می‌دارند همچون به نمایش گذاردن و سان دادن پیکر مصنوعی عظیم‌الجثه‌ای از گنبد‌های دو شهید مسلمان در عصر هنگام به خصوص در سورات، جوناگاد، و احمدآباد در ماه ژانویه تا فوریه، یا مراسم پیروزی و غلبه راماس بر شرویدی و بلایا در ماه اکتبر که به خصوص در رامانایا جشن گرفته می‌شود. یا جشنی همراه با آواز و رقص به مناسبت پایان باد موسمی در شب‌هایی که ماه کاملاً رؤیت می‌شود در ماه‌شاراد. و یا جشن مادها و رایسی در ماه چائیترا (مارس تا آوریل) در طول ساحل پوریندر به مناسبت بزرگداشت لرد کریشنا و مراسمی بزرگ در دامنهٔ تپهٔ پاواگاد نزدیک بارودا برای ارج گذاردن به ماه‌گالی خدای زن.

احمدآباد

این شهر در کنار نهر سابرمتی در ۵۰ میلی شمالی خلیج کمبای و ۳۰۹ میلی شمالی ممبئی واقع است. مساحت آن ۹۸۸۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود پنج میلیون نفر است. این شهر را احمد شاه گجراتی در سال ۸۳۰ هجری (۱۴۱۱ م)

بنا کرد و بر آن حصار و قلعه‌های سخت استوار کرد. در قرن ۱۷ میلادی زیباترین شهر هند بوده، به تجارت پنبه و تریاک و صنایع زرین و سیمین و حریربافی و منبت‌کاری شهرتی بسزا داشته است. گویند پیش از تصرف این شهر توسط انگلیسی‌ها (۱۸۱۸ م) آن را هزار مسجد و هر مسجد را دو مناره بود و بزرگ‌ترین آن مسجد سلطان احمد است که از زیباترین مساجد هند است. و اکنون مساجد فراوانی از دو قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی در آنجا دیده می‌شود و از بناهای قابل ذکر، آتشکده و برج سکوت و مناره جنیان است.

احمدآباد، شهر اصلی و مهم گجرات و از شهرهای بزرگ صنعتی هند است که به خاطر صنایع دستی و مصنوعات و پارچه‌های بسیار زیبایی که دارد منجستر شرق خوانده می‌شود. ایستگاه زمینی برای پیاده کردن طرح پروژه تلویزیونی ماهواره‌ای هند در این شهر واقع است. شهری پر از دحام و با نفوس زیاد. جهانگیر امپراطور مغول این شهر را «گاردآباد» یعنی شهر غبار و خاک لقب داده است. مع‌هذا جاذبه‌های توریستی برای مسافرین دارد و زیباترین نمونه‌های معماری اسلامی و غیرمذهبی در آن مشهود است.

این شهر یکی از مراکز هند برای مطالعه ریشه و ترکیب و آمیختگی نمونه‌های معماری هند و مسلمان به شمار می‌رود که به نام هند و مسلمان شهرت یافته است. در ادوار تاریخی، فراز و نشیب‌ها و افول و انحطاط‌ها داشته و مجدداً قدرت صنعتی یافته و چون گاندی در محله گاندی آشرام راهپیمایی خود علیه قانون سالت‌ها را آغاز کرد، مشهور گشت و بر سر زبان‌ها شد.

احمدآباد روزگاری مرکز سلاطین مسلمان بوده و هم مرکز عرفای معروف چشتی و سهروردی. حضرت سید محمد سراج‌الدین شاه عالم از سلسله چشتیه و خلیفه سیدشاه رکن‌الدین ترمذی متعلق به قرن نهم و نیز قطب عالم از همین سلسله، و از شعرا، غزالی مشهدی و نظیری نیشابوری در این شهر مدفونند. چون احمدآباد در نزدیکی کمبایت قرار داشت، شعرا و ادبای ایرانی که از طریق کشتی به ویژه از شیراز می‌آمدند، این شهر را نیز ملاحظه می‌کردند. نزدیک کمبایت گورستانی هست و اشخاصی که ذکر آن در جوامع الحکایات عوفی آمده در آنجا

مدفونند.

در نزدیکی این شهر همچنین خانقاه گاندی وجود دارد و موزه‌ای که لوازم شخصی گاندی در آن نگه‌داری و به نمایش گذاشته شده است. احمدآباد و به طور کلی ایالت گجرات خاطره یک قرن جهاد و مبارزه سخنگوی وجدان بشری و دوست فقیرترین و تنهاترین افراد جهان را در ذهن تداعی می‌کند که روح‌های پاک را تجلی می‌بخشد. گاندی، فیلسوف زمان و پیغمبر صلح و صفای عصر، پیشرو ریاضت و کمال روح، مردی که به ندای وجدان و نوای حق و آزادی انسان‌ها پاسخ می‌دهد و قدرت معنوی او، دل قدرتمندترین افراد را به لرزه می‌افکند. سیه چرده‌ای کتان‌پوش با جسم ضعیف و روحی قوی، با پشتکار شکست‌ناپذیر، مسلط بر ظلمت مادیت، با سلاح معنوی شرافت و اسلحه مقاوم کف نفس و مقاومت منفی و به تعبیری جهاد اکبر و جهاد اصغر، با لشکری از اندیشه و تدبیر و ابتکار در ایجاد سپاه معنویت، زنجیر پولادین استعمار را در هم می‌شکند و به جنگ زور و تبعیض و بی‌عدالتی می‌رود و متوجه استقلال می‌شود. آنکه قدرت حقیقت‌جویی و فروتنی او بیش از قدرت امپراطوری‌ها و حکومت‌ها بود و لشکرها از دفع او عاجز ماندند و زندگی و حیات او الگویی برای بشریت است.

دانشگاه گجرات (محل اجلاس استادان)

این دانشگاه در ۲۳ نوامبر ۱۹۴۹ تأسیس شده است. بزرگ‌ترین دانشگاه ایالت گجرات است که مطابق نیازهای تعلیماتی، دانشجویان را در بیش از ۱۵ دانشکده در سطح فوق‌لیسانس و ۱۵۰ کالج مطابق نقشه و طرح تعلیماتی هماهنگ و موزون تحت کنترل تعلیم می‌دهد و دوره‌های مطالعاتی جدید را دربرآورده ساختن نیازهای نسل حاضر در پرتو پیشرفت علم و تکنولوژی و کاربردهای آن، مد نظر دارد و کوشش می‌کند تا بر تعلیم و تربیت نه تنها از بُعد فرضیه‌ای آن بلکه بر جنبه‌های کاربردی نیز تأکید ورزد. برنامه‌های تعلیماتی علوم کامپیوتر، مطالعات دفاعی، مهندسی محیط، علم الکترونیک، ارتباطات پیشرفته، علم کتابداری و اطلاع‌رسانی و علم مدیریت اشتغال از آن جمله‌اند.

واحدهای مختلف دانشگاه، ارتباط فعالانه‌ای با دیگر نهادهای تحقیقاتی و آموزش به خصوص در سطح محلی و ناحیه‌ای دارند و در وسعت بخشیدن به برنامه‌های دانشگاهی و ایجاد تنوع در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها تأکیدی خاص. چشم‌اندازی وسیع از این فعالیت‌ها در گروه ادبی و علوم انسانی رقم می‌خورد تا می‌رسد به امر تدارک دوره‌های شغلی برای بخش‌های لازم جامعه. تشکیل کلاس‌ها و مراکز نیز به شکل دوره‌ای که ارتباط تنگاتنگ و زنده با اداره جامعه دارد تعلیم جامعه را زیر پوشش می‌گیرد از جمله:

۱. مرکز یادگیری حرفه‌ای H.K، دوره‌های کوتاه مدت شغل برای کارآموزان منطقه مثل مدیریت بانکداری، مدیریت اداری، تندنویسی و آموزش منشی‌گری که در حدود ۳۰۰ داوطلب از چنین دوره‌ها بدون اخذ درجه، هر سال بهره‌مند می‌شوند.

- مرکز یادگیری I.A.S که آموزگار خصوصی برای حدود ۸۰ دانش‌آموز سالانه تدارک می‌بینند تا برای امتحانات خدمات شهری - اداری، رقابت آمیز حکومت‌های ایالتی باشد.

- کلاس‌های مدیریت شغلی B.K که برنامه تعلیم اجرایی ارائه می‌دهد و در واقع درجه M.B.A. درباره اصل خودتکایی و حمایت از خود است.
- مرکز تحقیقات رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی که برنامه‌هایی را در زمینه زبان‌شناسی و زبان‌آموزی و مدیریت به طریق پروژه رادیویی و ویدیویی عرضه می‌کند و بسیار مورد استقبال مردم است.

- پولی‌والنت کانتراکه تعلیم مداوم فراوانی را برای اداره کردن صنایع خانگی و میهنی اجرا می‌کند. تعلیم افرادی که استحقاق تحصیلات دانشگاهی ندارند اما مستعد کارآموزی برای مهارت‌های خاصی اند.

- مرکز تحصیل سالمندان که برنامه تحصیل مداوم برای آنان تدارک می‌شود. دانشگاه گجرات از یک کتابخانه مرکزی برخوردار است که طبق نیازهای دانشجویان و مدرسین دانشگاه عمل می‌کند. همچنین کتابخانه‌های کوچک دیگری نیز دارد که شامل کتاب‌های درسی و کتاب‌های مرجع هر رشته می‌شود و از ناحیه

کتابخانه مرکزی تأمین می‌گردد. کالج‌ها نیز کتابخانه‌های مخصوص به خود دارند. کتابخانه مرکزی به منظور ایجاد تسهیلات برای مطالعه آنان که خانه و محل اسکانشان به دور از کتابخانه است، مراکز مطالعاتی در چند محل بنا کرده است. این دانشگاه در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، ۱۵۰ کالج، ۹ مؤسسه فرهنگی و علمی و ۲۴ بنیاد مشتمل بر ۳۷۱۷ استاد و ۱۵۸۸۷۲ دانشجو در رشته‌های هنر، علوم، بازرگانی، تعلیم و تربیت، قانون، علوم پزشکی و مهندسی و سایر رشته‌های متداول در هند نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، بهداشت، تجارت و بازرگانی، مدیریت، صحافت (روزنامه‌نگاری)، کتابداری، نساجی، زیست‌محیطی، جنگل‌داری، کامپیوتر، ادبیات انگلیسی، فارسی، اردو، هندی، پراکرات و سانسکریت را زیر پوشش داشته است.

بخش فارسی همزمان با خود دانشگاه احداث شده و استادان بنام به تدریس این زبان پرداختند نظیر دکتر احمد حسین قریشی که در احیای بخش فارسی بسیار کوشید و همچنین استاد عبدالغنی از محققین نامدار و همپایه دکتر محمود شیرانی استاد دانشگاه پنجاب لاهور.

زبان فارسی حداقل در هفت دانشکده تدریس می‌گردد. از جمله در دانشکده فلاح دارین، گجرات کالج، دانشکده پاورتر، دانشکده سوامی ماریین و مجموعاً ۵۰ نفر دانشجو (۴۲ نفر زن و ۸ نفر مرد) در سطح فوق‌لیسانس تعلیم می‌گیرند. دکتر حسین قریشی که ریاست بخش فارسی را بر عهده دارد و شیخ چاندبی‌بی، و کریم‌الله انصاری از استادان این رشته‌اند.

مسائل مطروحه در اجلاس

اجلاس استادان زبان و ادب فارسی در محل تالار کنفرانس دانشگاه گجرات در شرایطی صمیمی با پیام مسئولین وزارتخانه‌ها و مؤسسات ذریبط ایران و هند و افغانستان و با شرکت رییس و معاون دانشگاه گجرات، سفیر و نماینده فرهنگی ایران در جمهوری هند و با حضور استادان و دانش‌پژوهان زبان و ادب فارسی و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب ایرانی و هندی و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و شخصیت‌های محلی در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۷ برابر ۲۷ مهر ۱۳۷۶ گشایش و در پایان روز ۲۹ همین ماه خاتمه یافت.

پروفسور شاستری معاون این دانشگاه که مدتی ریاست این دانشگاه را نیز بر عهده داشته طی سخنانی از برگزاری این اجلاس در دانشگاه گجرات بسیار ابراز خرسندی نمود، و اظهار داشت که شخصاً پیگیر تشکیل این اجلاس و تدارک لازم برای برگزاری آن بوده است. او از زبان اردو به منزله دختر زبان فارسی یاد کرد که هنوز در هر منطقه از هند از آن یاد می‌شود. وی در ادامه گفتار خود افزود: در هیچ جای دنیا، همچو اتفاقی نیفتاده که دو فرهنگ مثل فرهنگ ایران و هند با هم در دورانی از حیات خود، فرهنگ مخصوص با زبانی مخصوص پدید آورند و باید هوشیار بود و اهتمام داشت که این فرهنگ مشترک را حفظ کرد و در کمک به ایجاد تفاهم و درک فرهنگی بین خود در جهان موفق بود. فرهنگی مشترک و تداوم رابطه دیرینه‌ای که ریشه در هزاران سال گذشته و نشان از شباهت‌ها و تعلق فرهنگی این دو ملت بزرگ دارد.

سفیر افغانستان در پیام خود به این اجلاس که در آستانه پنجاهمین سالگرد استقلال هند برگزار می‌شد یادآور شد که جای تقدیر و تحسین است که امروز استادان، چراغ اسباب گرانبهای شیوای فارسی را به رسم برکت بزرگ به جامعه بشریت تقدیم می‌کنند و به جهت زنده نگه‌داشتن ادبیات و فرهنگ فارسی بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی مدد می‌فرمایند. تردید نیست بدون مطالعه زبان و ادب فارسی، مطالعه تاریخ هند ناقص خواهد بود و پرداختن به تاریخ ادبیات هند بدون آگاهی از زبان فارسی، بررسی بخشی بزرگ و قابل توجه از تاریخ هند غیرممکن

خواهد بود.

سخنرانان، در این اجلاس به شرح احوال و آثار شعرا و ادبای فارسی‌گوی هند پرداخته و در مقام و منزلت و خدمات آنان به بحث و نظر پرداختند و ضمن اشاره به اینکه تدریس فارسی را باید فارسی زبانان عهده‌دار باشند نه عرب زبانان، مطالبی در اهمیت زبان فارسی به این مضمون ایراد کردند:

برگزاری اجلاس استادان زبان و ادب فارسی در حقیقت تجدید عهد استادان این زبان با بینش تاریخی و فرهنگی خودی است که به صورت ملحوظ و مکتوب به وجود آمده و به یادگار مانده است. پاسداری از آن در هند، پاسداری از بخشی از فرهنگ دو کشور ایران و هند است و هر کوششی که برای نگاهبانی و گسترش زبان فارسی در هند به عمل آید در واقع کوششی است برای تقویت بنیان‌های دوستانه و مآلاً در تقویت این دو کشور. همکاری و مشارکت مؤسسات ایرانی با انجمن زبان فارسی در هند و عضویت چند تن از استادان دانشگاه‌های ایران در این انجمن نشان احترام به انجمن است. باید امید داشت چراغ زبان فارسی که قرن‌ها شمع محفل فرهیختگان این کشور بوده همچنان تا قرن‌ها روشن و شعله‌ور ماند. اهمیت این امید و بیان این مطالب و توجه به تقویت و گسترش زبان فارسی به گونه‌ای است که تکرار آن را باز مهم می‌سازد. معلوم است که زبان فارسی در هند زبان خارجی نیست، زبانی که دستاورد استعمار یا کمپانی‌های خارجی باشد نیست. ایران و حکومت‌های ایرانی هیچ‌گاه سلطه و اشغال‌گری در هند به آن معنایی که اسکندر یا چنگیز داشته نداشته‌اند و حتی زبان فارسی در هند پیش از آنکه توسط ایرانیان گسترش پیدا کرد توسط فارسی‌گویان غیرایرانی نظیر ترک‌ها گسترش پیدا کرده است. و لذا برای مردم هند، آشنایی دوباره با زبان شیرین و شورانگیز فارسی، علاوه بر دسترسی به معارف این میراث، در واقع یک نوع بازگشت به پاره‌ای میراث پدران و به خویشتن خویش است و هر چه در راه احیای آن تلاش شود متضمن فواید فراوان فرهنگی - اجتماعی و احیای موارث مشترک و استحکام پیوندهای دیرین عاطفی خواهد بود.

حال که فارسی جزئی از هویت فرهنگی ملت هند است پس نگاهبانی و

پاسداری از آن یک وظیفه برای کسانی است که تاریخ و هویت هندی را پاس می‌دارند. همان‌طور که سانسکریت این وضع را دارد. روشن است که زبان فارسی، این زمان، ارزش اقتصادی یا سیاسی ندارد اما باید در این کشور به آن توجه شود زیرا اساس و پایه فرهنگ این کشور است و بسیار نسخه‌های ارزشمندی حتی در همین کتابخانه‌های احمدآباد وجود دارد که هویت تاریخی این کشور را که در زبان فارسی منعکس است باز می‌تاباند. اینک وظیفه چه کسانی است که به هویت تاریخی هند بپردازند؟

در بین این ملت‌های استثنایی، هندی‌ها و ایرانی‌ها از جمله ملت‌ها هستند که مترجم نیاز ندارند. با خواندن غزلیات جامی به نحو اکمل، احساس خود را منتقل می‌کردند و هم شعر خود را می‌خواندند. استادان فارسی این سرزمین باید روی این مسئله تفکر جدی بکنند و به نسل جوان انتقال بدهند که زبان فارسی جزء فرهنگ و هویت هند است و مردم هند را در برابر هجوم فرهنگی بیمه می‌کند. به واقع با زبان فارسی، معنویت و روحانیت را احیاء می‌کنیم. کمتر پیروان ادیان مختلفی هستند که چنین سهم مشترک درباره معنویت داشته باشند.

باید به دانشجویان تفهیم شود که برای مترجمی تربیت نمی‌شوند بلکه به عنوان محافظ و پاسداری هویت فرهنگی کشور خود تربیت می‌شوند. باید نگرش را عوض کرد و به زبان فارسی به چشم یک زبان خارج ننگریست تا موقعیت کار فارغ‌التحصیلان این رشته روشن‌تر جلوه کند.

و باید توجه داشت که «دری» صفتی برای فارسی بوده و فارسی و دری دو چیز نیست. فارسی در دربار پشاهان آن زمان که از اواخر عهد ساسانی رایج شد تقریباً شبیه به فارسی امروز بوده است. زبان پهلوی یعنی مطلق زبان فارسی که حافظ هم اشاره دارد. اگر کتیبه‌های پارسی باستان را نگاه کنیم ملاحظه می‌کنیم که با زبان فارسی امروز چندان تفاوتی ندارد.

پس از دوره هخامنشیان که روابط اقتصادی بین ایران و هند برقرار بود، پیوند فرهنگی بین این دو کشور در دوره ساسانیان حاصل شد. داستان آوردن کلیل و دمنه، این اندیشه را تداعی می‌کند. تأثیرپذیری، یک جریان دو سویه بوده است و

آثار بر جای مانده، شواهد این پیوند را از آثار باستان نشان می دهد. وجوه مشترک فرهنگی، روابط سیاسی، مهاجرت، و دل بستگی سلاطین به زبان فارسی و حمایت امرا و حاکمان از شعرا در ترویج و تقویت این زبان مؤثر بوده است. اقوام هند و ایرانی از یک نژادند، و زبان سانسکریت با زبان اوستایی باستان از یک سرچشمه اند. روابط فرهنگی ایران و هند پس از اسلام گسترش یافت. قرابت ها و شباهت ها در فرهنگ ایرانیان باستان و آیین هندوان نشان از روزگاری دارد که این دو ملت بزرگ، پیکر و فرهنگی واحد داشتند و شأن اجتماعی خود را با توجه به یگانگی فرهنگی نظم بخشیدند. و این شباهت های هنری، ادبی، معماری و همچنین متعلقات دو ملت بزرگ به یکدیگر می تواند امروز هم نشان از استواری و باور نسبت به ادامه و گسترش روابط طلایی گذشته با یکدیگر باشد.